

## بررسی واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی در اشعار فارسی شهریار

حسن علیزاده<sup>۱</sup>، رامین صادقی نژاد<sup>۲</sup>، مریم محمدزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

در دوره مشروطیت، شاهد هجوم انبوه واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی به زبان و ادب فارسی می‌باشیم که در شعر شاعران دوره اول مشروطه، همانند ادیب الممالک فراهانی و حسن وحید دستگردی، بسیار فراوان‌تر از دیگر شاعران است. با گذار از دوره بیداری و رسیدن به دوره پهلوی اول و دوم، این واژه‌ها و اصطلاحات؛ دست‌خوش تغییرات زبانی می‌شوند. پرسش اصلی این نوشته که به شیوه اسنادی و به روش کتاب‌خانه‌ای درصدد پاسخ آن برآمده‌ایم آن است که واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی در شعر شهریار، چه تغییراتی یافته است؟ نتیجه این بررسی نشان می‌دهد، بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی از همان آغاز ورود به زبان و فرهنگ فارسی، تثبیت و مورد پذیرش و استفاده واقع شده، بعضی کم‌رنگ و به حاشیه رانده شده، برخی محو و از دایره استعمال خارج گشته و بعضی با تغییرات آوایی مواجه شده و برخی به ضرورت وزن شعری دچار تریخیم و برخی برای رشته‌های خاصی تخصیص یافته، در موارد اندکی برخی از واژه‌ها به دو زبان فارسی و فرانسوی با یک صورت نوشتاری و معنایی به کار رفته‌اند، بعضی واژه‌ها و اصطلاحات از حوزه محدود خارج شده و توسعه معنایی یافته و برخی از واژه‌ها و اصطلاحات نیز معادل فارسی تراش‌خورده، خوش‌آوتر و قابل فهم‌تری در شعر شهریار یافته‌اند.

کلید واژه‌ها: تحولات زبانی، دوره مشروطه تا پهلوی دوم، زبان فرانسه، شهریار، واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی.

۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

alizadeh۳۹۸۰@gmail.com

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. (نویسنده مسئول)

rsns۱۹۷۰@gmail.com

۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

ay\_maryam@yahoo.com

## مقدمه

زبان به عنوان امری اجتماعی پیوسته به تبع تحولات اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه است. همچنان که می‌دانیم هر جامعه، همانند موجود زنده‌ای، پیوسته دست‌خوش تحوّل است و بر اثر تغییر و دگرگونی بنیان‌های آن از قبیل: سیاست، مذهب، آداب و رسوم، حرف و مشاغل، سبک زندگی، ابزارهای زیستن و نظایر این‌ها تغییر می‌کند. از این رو، هرگونه تغییر و تحوّل که در جامعه حاصل شود، نیازهای آن جامعه نیز ضرورتاً دگرگون می‌شود و این دگرگونی به‌ناچار در تغییر و تحوّل زبان نیز تأثیر و دخالت اساسی دارد. تاریخ یک زبان، تغییرات و دگرگونی‌های آن زبان را در گذر زمان و در طول دوره، دوام آن زبان را مشخص می‌کند و به کمک بررسی‌های تاریخی هر زبان، می‌توان هم تغییرات و تحوّل‌ات آن زبان در ادوار تاریخی مختلف را شناخت و هم قواعد و قوانین حاکم و ناظر بر آن تحوّل‌ات را به دست آورد.

در ده سال آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه، تحوّل فضای سیاسی ایران، ادبیات تازه‌ای را به وجود آورد که هم از لحاظ ساختار و شکل و هم از نظر مضمون از ادبیات گذشته، متمایز و گویای تشدید اوضاع سیاسی وقت ایران یا مرتبط با مسائل آن بودند. (ر.ک. آدمیت، ۱۳۵۵: ۵۲). در دوره مشروطه نیز شعر از یک سو، وسیله‌ای برای روشنگری اذهان خام و ناپخته‌ی عامه مردم در قلمرو سیاسی و از دیگر سو، ابزاری برای گزارش زندگی نو رسته جامعه ایران بود (ر.ک. آژند، ۱۳۸۴: ۹۱). شاعران این عصر از شعر به‌مثابه ابزاری برای ترویج اندیشه‌های غالب زمان و برای به‌صحنه کشاندن مردم استفاده می‌کردند. نگاه آن‌ها به شعر، ابزاری بود. چون شعر می‌خواست به‌جای روزنامه و آگهی و به‌جای رسانه‌های تصویری امروزی به کار گرفته شود. به همین دلیل در دوران مشروطه، یک تعداد کلمات خارجی، وارد شعر شد که صرفاً وسیله‌ای برای روشنگری و مبارزه بوده است.

رفته‌رفته لغات و اصطلاحات جدید نهضت مشروطیت با توجه به شرایط خاص زبان سیاسی و اداری و اجتماعی آن دوره، در اشعار وارد و موجب رونق و رواج مطبوعات و اشعار سیاسی گردید. برخی از شاعران انقلابی، پیام‌های سیاسی را به میان مردم برده و در شعر شاعران مردمی این عصر همانند سرودهای سید اشرف‌الدین گیلانی که ورد زبان مردم بود، غزل‌های سیاسی عارف قزوینی، لحن اندرزی میرزاده عشقی، مقالات آتشین فرّخی یزدی و دیگر شاعران به کار گرفته شد و زبان مباحثه از چنان سادگی برخوردار شد که نتیجه‌اش، ورود مسائل سیاسی و اجتماعی روزمره در شعر آن عصر بود و آن را به شعر سیاسی نزدیک کرد.

امین‌پور، ورود واژه‌ها و اصطلاحات نوظهور به نظم و نثر فارسی دوره مشروطیت را، همانند سیلی می‌داند که به‌جای آنکه شعر مشروطیت از آن چشمه، آب بردارد، آب این سیل، شعر را با خود برده است: «ترکیبات ناموزون، ناهماهنگ و ناهمخوان، لغات و اصطلاحات قدیم و جدید فارسی و بیگانه، بدون ویرایش و پیرایش که وارد نظم و نثر شد، این نوشتار را دچار نوعی ابهام و دوگانه

نویسی کرد و متن را از سره نویسی، خارج نمود. ترکیباتی از قبیل: پارلمان، وکیل، کمسیون، تجدّد، تمدّن، حزب، سوسیالیسم، رادیکال و... بدان راه یافتند.» (امین‌پور، ۱۳۸۴: ۳۰۹-۳۰۸).

### بیان مسئله

شعر شهریار به عنوان یکی از ممتازترین شاعران حد واسط دوره اول مشروطیت و معاصر از حیث تغییراتی که بر فرهنگ و زبان فارسی گذاشته است؛ پُر اهمیّت و تأثیرگذار است. در شعر شهریار با بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی رو به رو هستیم که هم از حیث ایجاد تصاویر، مضامین و ترکیبات تازه و هم از حیث تغییرات زبانی و تأثیری که از طریق شعر بر فرهنگ و زبان جامعه گذاشته است؛ قابل تأمل و توجّه است. با بررسی واژه‌های فرانسوی به کار رفته در شعر فارسی شهریار، می‌توانیم به چگونگی استفاده شهریار از این واژه‌ها و اصطلاحات و این که دچار چه تغییرات زبانی شده است؛ پی ببریم.

### پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق این نوشته، به جز مقاله «بازتاب هنری واژه‌ها و اصطلاحات اداری (بانک و ثبت اسناد) در شعر شهریار» توسط رامین صادقی‌نژاد، چاپ شده در مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه پیام نور بجنورد (۱۳۹۳)، نوشته دیگری ارائه یا چاپ نشده است. یافته‌های این مقاله نیز حاکی از آن است که واژه‌ها و اصطلاحات اداری اعم از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی بانک، ثبت اسناد و اصطلاحات عمومی اداری در شعر شهریار زبان شعری وی را به زبان محاوره و کوچه و بازار نزدیک کرده و شعر را از کوچه‌های تنگ و محدود شعر سنتی رهنابیده و این حجم از واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در شعر شهریار، دامنه لغات و اصطلاحات زبان را توسعه بخشیده و بر غنای لغت و زبان فارسی افزوده است.

### روش تحقیق

این نوشته به شیوه گردآوری از اسناد و منابع کتاب‌خانه‌ای فراهم آمده و برای بازنویسی صورت لاتین واژه‌های بیگانه از کتاب «فرهنگ پایه (واژه‌های پارسی و بیگانه زبانشناختی در فارسی کنونی)»، نوشته تهمورث جلالی، استفاده شده است.

### سؤال تحقیق

سؤال اساسی این تحقیق عبارت است از آن که واژه‌های فرانسوی در شعر شهریار چه تغییراتی یافته و چه تأثیری در تثبیت یا جایگزین شدن واژه‌ها و اصطلاحات فارسی به جای لغات فرانسوی داشته است؟

### اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق، تبیین وضعیت واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی زبانشناختی بر اساس فرهنگ پایه فارسی تألیف تهمورث جلالی در فرهنگ و زبان فارسی از دوره مشروطه اول تا پهلوی دوم از حیث تثبیت و تغییر معنی و تغییر و ترخیم از نظر تلفظ و حذف و کنار نهادن واژه‌ها و اصطلاحات و جایگزین شدن

واژه‌ها و اصطلاحات فارسی به‌جای واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی با تأکید بر شعر شهریار بوده است.

### بحث و بررسی

یکی از ویژگی‌های زبانی شعر شهریار بی‌پروایی او در کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه در اشعارش است. یوسفی در این‌باره نوشته است: «آزادگی که وی در زبان شعر برای خود قائل شده و هر نوع کلمه و ترکیب از زبان گفتار را در شعر به کار برده، حاکی از آن است که به اسلوب پیشینیان، پایبند نمانده و خواسته است از همه امکانات و توانایی‌های زبان، بهره جوید تا بتواند به‌آسانی و روانی آنچه را در ضمیر دارد به قلم بیاورد.» (یوسفی، ۱۳۷۷: ۶۳۶). اوستا نیز نوشته است: «کم‌تر شاعری است که جسارت آوردن اصطلاحات رایج در نشان دادن رنج خود به کار گیرد و ایهامی بدیع بیافریند.» (اوستا، ۱۳۶۳: ۱۲). بهادری درباره‌ی زبان شعری شهریار، نوشته است: «شهریار کوشیده است تا زبان را در شکل جاری آن به خدمت بگیرد و توجه او به زبان گفتاری، موجب تشخص زبان شعری و گستردگی بیشتر کلمات شده است. شهریار در این زمینه از سرزنش نقادان نهراسید و غزل را با زبان آشتی داد.» (بهادری، ۱۳۸۶: ۶۸). اما این بی‌پروایی و آزادی بی‌حد و حصر در زبان و واژه‌های شعر و آوردن هر اصطلاح، گاه موجب شده که بسیاری از الفاظ و ترکیبات و مضامین پیش پا افتاده در شعر او راه یابد و گاه ناهماهنگی‌ای در بافت سخن پدید آورد که به‌حق مورد ایراد سخن‌سنجان واقع شده است (ر.ک. اجتماعی جندقی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در شعر شهریار، واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی زیادی هست که می‌توان آن‌ها را در گونه‌هایی، دسته‌بندی کرد:

۳-۱-۱- واژه‌ها و اصطلاحاتی که روزگاری رواج داشته‌اند اما به‌تدریج محو و کم‌رنگ شده‌اند و امروزه چندان کاربردی در فرهنگ و زبان فارسی ندارند یا در حوزه محدودی به کار می‌روند:  
- ژوپن (Gopane): دامن کوتاه و زیردامنی (فرهنگ پایه):

أم لیلی نبود چون آفاق نه ژوپن خواهد و نه چادر فاق

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۱: ۴۱۴)

۳-۱-۲- گِتر (Getre): پارچه‌ای که قسمت پایین ساق پا و بالای کفش را می‌پوشاند. (فرهنگ پایه) که امروز فقط در دژبانی ارتش و برای تشریفات به کار گرفته می‌شود:

نه کراوات و نه پیراهن کش نه مضافات و نه گِتر و گالش

(همان: ۴۱۳)

۳-۲- واژه‌ها و اصطلاحاتی که هم به زبان فرانسه و هم به زبان فارسی به کار رفته است؛ اما صورت فارسی به دلیل خوش‌آهنگی و مقبولیت فهم عامه به‌تدریج بر واژه فرانسوی، غلبه یافته است:  
۳-۲-۱- آئروپلن (Aeroplane): هواپیما (فرهنگ پایه):

آری این ملت ترقی خواه به خیالش که شاعر گمراه

گر به قول و غزل نپردازد آئروپلن برای او سازد

(همان: ۴۹۰)

۳-۲-۲- بور (Bore): خیط شدن، شرمنده شدن (فرهنگ پایه) که امروزه اصطلاح شرمنده شدن؛  
بیشتر مورد استفاده است:

کج کرد ورق بُرزد و من جر زدم او فُر تا عاقبت کار که من پر شدم او بور

(همان: ۳۵۱)

۳-۲-۳- کولژ (College): دانشکده (فرهنگ پایه):

در این کولژ که ندهندت به جز لیسانس تون تابی نخواهی بوعلی سینا شد و بونصر فارابی

(همان: ۶۸۶)

۳-۳- واژه‌ها و اصطلاحاتی که به دو زبان فرانسه و فارسی، مُصطلح هستند اما صورت فرانسوی  
واژه بیشتر کاربرد دارد:

۳-۳-۱- پارک (Parc): گردشگاه (فرهنگ پایه) که معادل فارسی آن یعنی بوستان نیز کاربرد دارد:  
یک روز باغ ملّی و خود پارک شهر بود اینجا نشاط و غلغله چپ می جهید و راست

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۲، ۱۲۰۹)

۳-۳-۲- دکتر (Docteur): پزشک و دانشمند (فرهنگ پایه) که هر دو مورد کاربرد دارد؛ منتها  
بیشتر از صورت فرانسوی واژه استفاده می‌شود:

با چنان ذوق دکتری پاستور حق همین بود کاو بود دکتر

(همان: ۴۶۴)

۳-۳-۳- پرسنل (Personnel): خودی، وابسته به خود، سرگرم به سازمان خود (فرهنگ پایه) که  
بیشتر صورت فرانسوی واژه مُستعمل است:

مگر ز پرسنل آسمان به شعبه گیتی صدور یابد امر منیع لازم الاجرا

(همان: ۳۳۳)

۳-۳-۴- پُست (Poste): پیک (فرهنگ پایه) که امروزه پُست برای ارسال بسته‌های بین‌شهری و  
پیک برای مرسوله‌های شهری کاربرد دارد:

پُست تهران نبسته بار سفر شعر عارف ز مرز بود به در

(همان: ۴۸۹)

۳-۳-۵- تابلو (Tableau): دورنما، نگار (فرهنگ پایه) که بیشتر صورت فرانسوی کاربرد دارد:

رفته و مانده ز برفی شق ورق تابلوی دهکده دارد ابلق

(همان: ۶۰۰)

۳-۳-۶- تانک (**Tank**): اژابه جنگی (فرهنگ پایه) که به صورت کامل جایگزین اصطلاح فارسی شده است:

انفجار و انهدام و دود و آتش خاک و خون توپ‌ها و تانک‌ها و بمب‌ها خمپاره‌ها

(همان: ۵۴۲)

۳-۳-۷- ژنرال (**General**): تیمسار (فرهنگ پایه) که هر دو واژه مُستعمل است اما صورت فارسی کاربرد بیش‌تری دارد:

در پناه بیرق تسلیم می‌آمد جلو با اسیران دگر ژنرال ژرمن پاولوس

(همان: ۵۴۵)

۳-۳-۸- ژیلت (**Gillette**): خودتراش (فرهنگ پایه) که هر دو واژه، کاربرد دارد؛ منتها ژیلت به نوع ویژه‌ای از این ابزار اطلاق می‌شود:

بگو به مالیش و کرم نمی‌شود چروک صاف ز تیغ ژیلت این قدر به رخ نمال ماله را

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۱۸۸)

۳-۳-۹- سالن (**Salon**): تالار (فرهنگ پایه) که هر دو واژه کاربرد دارد:

سالن روشن و تاریک جهان پُر ز جمعیت پیدا و نهران

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۸۵)

۳-۳-۱۰- سمبل (**Symbole**): نشانه (فرهنگ پایه) که هر دو واژه مورد استفاده است:

لام‌ها روشن شد و بر سطح آب سَنفونی‌ها زاد و شعر سَمبلی

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۹۹۸)

۳-۳-۱۱- سن (**Scene**): پهنه نمایش (فرهنگ پایه) که به رشته‌های تخصصی‌تری چون تئاتر و سینما اختصاص یافته است:

موج کف‌ها به جدار شن‌ها چون دکورسازی روی سن‌ها

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۳۲)

۳-۳-۱۲- شیک (**Chic**): زیبا و خوشگل (فرهنگ پایه) که هر دو کاربرد دارد:

شیک و دل‌ویز و ملوس و قشنگ چون همه مصنوع ظریف فرنگ

(همان: ۴۱۴)

۳-۳-۱۳- فولکلور (**Folklore**): فرهنگ مردمی (فرهنگ پایه) که اصطلاح فرانسوی به شاخه‌ای ویژه در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی اطلاق می‌شود:

رنگین کُن فیلم فولکلورهای کهن در سبک ظریف مینیاتورسازی هم

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۲: ۱۱۱۶)

۳-۳-۱۴- کابینه (Cabinet): دفتر، دبیرخانه، رستوران (فرهنگ پایه)، به گروه از مقامات دولتی گفته می‌شود که معمولاً وظیفه شاخه اجرایی دولت را بر عهده دارند. (فرهنگ فارسی معین)، امروزه در کنار واژه فرانسوی، اصطلاح هیأت دولت نیز مورد استفاده است:

صبا به هیأت گل شد وزیر تبلیغات      بیار باده که کابینه روی کار آمد

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۱: ۱۵۲)

۳-۳-۱۵- لیست (Liste): سیاهه (فرهنگ پایه) که صورت فرانسوی واژه از صورت فارسی آن، مُستعمل تر است:

گر آسمان وظیفه شاعر نمی‌دهد      گو نام هم به خُفیه بلیسد ز لیستم

(همان: ۱۹۰)

۳-۳-۱۶- مات (Mate): تیره، تار، زنگ گرفته (فرهنگ پایه) که هر دو واژه مورد استفاده قرار می‌گیرد:

هر چه نزدیک‌تر آیم به تگ      پرده مات نماید پرننگ

(همان: ۶۰۰)

۳-۳-۱۷- مارشال (Marechal): سردار، سپهبد (فرهنگ پایه) که صورت فارسی واژه غلبه دارد: ابتکار ژنرال‌ها دیده است      انتحار مارشال‌ها دیده است

(همان: ۶۱۴)

۳-۳-۱۸- مارک (Marque): نشان (فرهنگ پایه) که بیش‌تر از صورت فرانسوی واژه به عنوان کشور و شرکت سازنده محصول استفاده می‌شود:

ادبیات مارک نخل و شتر      کرده انبارهای دنیا پر

(همان: ۴۸۹)

۳-۳-۱۹- مدال (Medaille): نشان (فرهنگ پایه)، سکه مانندی است که به یادگار در واقعه مهمی یا به پاس خدمت شخص بزرگی ساخته و به پاس خدمت کارکنان ادا می‌شود. (فرهنگ فارسی معین) که بیشتر صورت فرانسوی واژه کاربرد دارد:

مدال فخر و شرافت ترا سزد که شرف      هزار سال مدل می‌کند مدال تو را

(همان: ۳۷۷)

۳-۳-۲۰- مُدل (Modele): نمونه (فرهنگ پایه) که علاوه بر مفهوم فارسی واژه، واژه فرانسوی برای رشته خاصی چون مُدلینگ (Modeling) و فِشِن (Fashion)؛ اختصاص یافته است:

مدال فخر و شرافت ترا سزد که شرف هزار سال مدل می‌کند مدال تو را

(همان: ۳۷۷)

۳-۴-۳- واژه‌ها و اصطلاحاتی که از آغاز ورود به فرهنگ و زبان فارسی به همان صورت دوام یافته و مورد پذیرش واقع شده‌اند:

۳-۴-۱- آباژور (**Abat-jour**): سایبان، آفتاب‌گردان، رو چراغی (فرهنگ پایه) که با توجه به معانی به دست داده شده در فرهنگ پایه، آباژور از معادل فارسی آن‌ها دلنشین‌تر و خوش‌آوا تر بوده است:

نه صحبت سیخ است و نی و دوده و فندک نه وصف فلان پوش که بوده است آباژور

(همان: ۳۴۸)

۳-۴-۲- آپارتمان (**Appartement**): اشکوب (فرهنگ پایه) که به نظر می‌رسد معنای در نظر گرفته شده در فرهنگ پایه، مناسب معنای این اصطلاح، نیست. در زبان فارسی، مترادف واژه اشکوب، طبقه، مرتبه، آسمانه، سقف (فرهنگ فارسی معین)، آمده است که چندان نمی‌تواند معنی و مفهوم اصطلاح آپارتمان را برساند:

با عسای دست خود پای پیاده می‌رود نه ندیمش هست و نه ماشین و نه آپارتمان

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۹۷۰)

۳-۴-۳- آلبوم (**Album**): جُنگ (فرهنگ پایه) که صورت فرانسوی واژه کاملاً جا افتاده است: در آلبوم یادگارها دست بیر هرچند همه مُچاله و لوله شده است

(همان: ۱۰۹۱)

۳-۴-۴- اتم (**Atome**): آخیشک: آخشیگ: آخشیج. (فرهنگ پایه): که از معنای فارسی آمده در فرهنگ پایه به مراتب قابل فهم‌تر و قابل پذیرش‌تر برای عامه بوده است:

انفجار این اتم اعلام محشر می‌کند علم هم تصدیق دین را کرد و آخر شد مُجاب

(همان: ۲۹۷)

۳-۴-۵- اسکلت (**Squelette**): استخوان‌بندی (فرهنگ پایه) که هم صورت فرانسوی و هم صورت فارسی اصطلاح کاربرد دارد:

کله‌ها و اسکلت‌ها سایه‌ها عفریت مرگ زنده در گوران و دل‌هایی ز وحشت چاک چاک

(همان: ۵۴۰)

۳-۴-۶- بُمب (**Bombe**): بمب (فرهنگ پایه) که واژه فرانسوی کاملاً جای‌گیر شده است: انفجار و انهدام و دود و آتش خاک و خون توپ‌ها و تانک‌ها و بُمب‌ها خمپاره‌ها

(همان: ۵۴۲)

۳-۴-۷- بنزین (Benzine): بنزین (فرهنگ پایه) که کاملاً در بین فارسی‌زبانان پذیرفته شده است:  
تن چه بُود مرکب و ماشین تو قوت و غذا مصرف بنزین تو

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۲۱۰)

۳-۴-۸- پودر (Podre): گرده، خُرده، ریزه (فرهنگ پایه) که علاوه بر معنای فارسی در شعر  
شهریار به معنای نوعی از لوازم آرایشی به کار رفته است:

پُف نم آب است و پودر ماهتاب شاخه‌ها رقااص و سنگل منگلی

(همان: ۹۹۸)

۳-۴-۹- تَرَن (Train): دنباله (فرهنگ پایه) که امروزه بیشتر به جای این واژه فرانسوی از واژه  
عربی قطار استفاده می‌شود:

کودکان چابک دوان سوی ترن‌های فرونت هدیه سرباز را زیر بغلشان بسته‌ها

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۴۳)

۳-۴-۱۰- سوژه (Sujet): موضوع، آنچه درباره آن بحث یا آزمایش کنند (فرهنگ پایه) که هر دو  
صورت فارسی و فرانسوی واژه کاربرد دارد منتها سوژه در برابر اُبژه (Object)، اصطلاح تخصصی  
در فلسفه است:

من یک سوژه می‌دهم دگر خود دانی دستور نمی‌دهم چه جوروی بکشی

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۰۹۴)

۳-۴-۱۱- سیرک (Cirque): ورزش جانوران (فرهنگ پایه) که از همان آغاز مورد پذیرش و  
استفاده بوده است:

سیرک‌ها محو و مهابت سیما سینماها خفه و سایه نما

(همان: ۶۳۴)

۳-۴-۱۲- سیگار (Cygare): سیگار (فرهنگ پایه) که از همان آغاز مورد پذیرش و استفاده بوده  
است:

شبان تیره قوت من بُود دود چراغم آتش سیگار جانا

(همان: ۳۲۳)

۳-۴-۱۳- سینما (Cinema): سینما (فرهنگ پایه) که از همان آغاز مورد پذیرش و استفاده بوده  
است:

هر پرده صحنه‌سازی صد لوح عبرت است گر خاطرات سینئه ما سینما کنند

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۸۴۴)

۳-۴-۱۵- فیلم (Film): نوار (فرهنگ پایه)، در لغت به معنی نوار نازک است و چون اولین بار، تصاویر متحرک روی فیلم عکاسی ثبت و به این وسیله نمایش داده می‌شد این نام بر روی تصاویر متحرک ماند (فرهنگ فارسی معین)، این واژه نیز از همان آغاز مورد استفاده و کاربرد بوده است:

ماه چون حور بهستی خندید      سینما فیلم جهنم برچید

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۱، ۵۹۴)

۳-۴-۱۶- کرم (Creme): رنگ نخودی (فرهنگ پایه) که امروزه هم به عنوان نام یک رنگ و هم به صورت تخصصی این واژه در زمره وسایل آرایشی استعمال دارد:

بگو به مالیش و کرم نمی‌شود چروک صاف      ز تیغ ژیلت این قدر به زخ نمال ماله را

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۲، ۱۱۸۸)

۳-۴-۱۷- کنسرت (Concert): هماهنگی (فرهنگ پایه) که در اصطلاح، هماهنگی صداهای ابزارهای موسیقی است. (فرهنگ فارسی معین)، این اصطلاح هم به صورت فرانسوی و هم با واژه معادل فارسی خود یعنی موسیقی، مورد استفاده است:

یاد آن کنسرت تفلیسش که گل‌باران شدند      با دوامی بود و طاهرزاده و درویش خان

(همان: ۹۷۰)

۳-۴-۱۸- کنکور (Concours): هم‌چشمی، رقابت (فرهنگ پایه) که در ایران آزمون سراسری هم گفته می‌شود، نام آزمونی است که برای سنجش و پذیرش به دانشگاه‌ها در برخی از کشورها برگزار می‌شود. (فرهنگ فارسی معین)، ای واژه کاملاً در فرهنگ و زبان فارسی، جای خود را یافته است اما اصطلاح فارسی آزمون ورودی نیز مورد استفاده است:

امثال تو لیسانسیه در علم حقوقند      وز بهر فرنگ آمده آماده کنکور

(همان: ۳۵۰)

۳-۴-۱۹- گرامافون (Gramophone): نوب (فرهنگ پایه)، این اصطلاح از همان آغاز مورد استفاده بوده است اما به دلیل پیشرفت فناوری، به حاشیه رانده شده است:

بود در آن حلقه گرامافونی      طرفه گرامافون غوغا کنی

(همان: ۴۱۴)

۳-۴-۲۰- لژ (Loge): سرسره (فرهنگ پایه): کلبه کوچک. کلبه هیزم‌شکنان مقیم جنگل. آلونک. در اصطلاح جای خاصی در تماشاخانه که در آن نشسته بازی تماشاگران را تماشا کنند (فرهنگ فارسی معین)، این واژه امروزه با اصطلاح وی. آی. پی (V.I.P.)، به حاشیه رانده شده است:

گر روی در لژ مخصوص تماشاچی‌ها      دیدنی بیش‌تر از حد تصوّر بینی

(حالت، ۱۳۷۰: ۳۸۵)

۳-۴-۲۱- لیسانس (**Licencie**): دانشنامه‌دار (فرهنگ پایه)، این اصطلاح در کنار کاربرد شایع با معادل فارسی خود یعنی کارشناس، مورد استفاده است:  
در این کولژ که ندهندت بجز لیسانس تون‌تابی نخواهی بوعلی سینا شد و بونصر فارابی  
(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۱: ۶۸۶)

۳-۴-۲۲- موتور (**Moteur**): ارابه (فرهنگ پایه)، دستگاه که سبب به کار انداختن و تولید ماشین می‌شود (فرهنگ فارسی معین)، این واژه امروز به صورت گسترده در صنایع سبک و سنگین و هم به صورت مُخَفَّف اصطلاح موتورسیکلت (**Motocyclettes**)، مورد استفاده است:  
گوشم در انتظار موتور بود و ناگهان هنگامهٔ تپیدن دل خاست در برم  
(همان: ۲۶۲)

۳-۴-۲۳- موزیک (**Musique**): نوازندگی، رامشگری (فرهنگ پایه) که به هر دو صورت فرانسوی و فارسی مورد استفاده است:

شب که در حجلهٔ ماه می‌رفت دستهٔ زهره موزیک بنواخت

(همان: ۵۲۰)

۳-۴-۲۴- مینیاتور (**Miniature**): ریزه‌کاری (فرهنگ پایه)، نوعی نقاشی با حداکثر ظرافت و خطوط ترسیم شده با حداقل نازکی (فرهنگ فارسی معین)، این اصطلاح به شاخهٔ خاصی از هنر نقاشی و همچنین برای هر کار هنری ریز و ظریف، کاربرد دارد:

رنگین کُن فیلم فولکلورهای کهن در سبک ظریف مینیاتورسازی هم

(شهریار، ۱۳۶۶، ج: ۲: ۱۱۱۶)

۳-۴-۲۵- نُت (**Note**): یادداشت (فرهنگ پایه)، الفبای مخصوصی موسیقی که تعدادشان هفت است نشانه‌هایی که به وسیلهٔ آن‌ها اصوات موسیقی را نشان می‌دهند (فرهنگ فارسی معین)، نُت امروزه به عنوان یادداشت به حاشیه رانده شده است و به هنر موسیقی اختصاص یافته است:

کرده فراموش نُت و رنگ را خوانده زیر مویه و سارنگ را

(همان: ۴۶۴)

۳-۴-۲۶- واگون (**Wogon**): اتاق راه آهن (فرهنگ پایه)، خودروی ریلی (فرهنگ فارسی معین)، که امروزه هم به این صورت فرانسوی کاربرد دارد:

میان‌های و هو و کف زدن‌ها به راه افتاد واگون و ترن‌ها

(همان: ۴۹۳)

۳-۵-۵- واژه‌ها و اصطلاحاتی که با وجود قرابت معنایی با واژه‌های فارسی به خاطر اختصاص به فنون و رشته‌های خاص، معنای تخصصی‌تری یافته و به همان شکل فرانسوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

۳-۵-۱- آرشه (Arche): کمانه، کمانچه (فرهنگ پایه) که در زبان فارسی برای رشته موسیقی و برای ساز ویژه‌ای به نام ویولون (Violon)، اختصاص یافته است:

ز آرشه و ویولن چوب و تخته در کار است مگر که خانه ایمان من کنند حراج

(همان: ۲۷۷)

۳-۵-۲- ژل (Role): روش، فرمان (فرهنگ پایه) که برای اتومبیل اختصاص یافته است: دلم پرزد چو در پشت ژل آنجا نشستند و به ماشین گاز دادند

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۹۴۲)

۳-۵-۳- سُل (Sole): تنها و یگانه (فرهنگ پایه) که اصلاحی در موسیقی است: هر کلمه کلید سُل‌ت‌های خداست آهنگ درای کاروان بشری

(همان: ۱۰۹۹)

۳-۶-۷- واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آغاز برای استفاده در رشته و فنّ خاصی و به صورت محدود کاربرد داشته و سپس توسعه معنایی یافته است:

۳-۶-۱- تیپ (Type): نمونه (فرهنگ پایه) که ابتدای ورود به فرهنگ و زبان فارسی در ارتش و در رسته نظامی کاربرد داشته است، به عنوان مثال در بیت ژاله قائم‌مقامی از شاعران دوره اول بیداری:

سرتیپ سپاه است و تیپ نه زیرا که نه شوری و نه شری است

(قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۵۴)

سپس در شعر شهریار کاربرد عام یافته است:

تازه از گاو و خررها شده ام قاطی تیپ برّه‌ها شده ام

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۵۰)

۳-۶-۲- درام (Drame): نمایش (فرهنگ پایه) که در اصطلاح به معنای نمایش‌نامه به عنوان ژانر (سبک) فیلم گفته می‌شود، اما در شعر شهریار در معنای وضعیت جدّی و غمگین به کار رفته است و در تداول عامّه نیز به وضعیّت رنج‌آور اطلاق می‌شود:

اهرمن رفته و برچیده درام ماه می‌خندد و دریا آرام

(همان: ۶۳۶)

۳-۶-۳- دکور (Decor): آرایش، زیور، زیب (فرهنگ پایه) که در زبان فرانسوی و در اصطلاح نمایشنامه و سینما، مجموعه ساختمان و اشیا و اثاث و عوامل دیگر در صحنه نمایش است؛ اما در تداول عامه به اشیا و زیورآلات زینتی اطلاق می‌شود. شهریار این واژه را در هر دو معنی، به کار برده است. در معنای دکور صحنه نمایش:

موج کف‌ها به جدارش‌ها چون دکورسازی روی سن‌ها

(همان: ۶۳۲)

و هم در معنای آرایش و زیب و زیور و زیباسازی:

از دکورسازی و رنگ‌آمیزی شاهدی کرده و سحرانگیزی

(همان: ۵۸۵)

۳-۷-۷- واژه‌ها و اصطلاحاتی که با اندکی تغییر با تلفظ فرانسوی وارد زبان فارسی شده است و با همان تغییر به حضور خود در زبان فارسی ادامه داده است، این تغییر از بابت ثقالت و سنگینی تلفظ واژه فرانسوی بوده است:

۳-۷-۱- بمباردمان (Bombardement): بمباران (فرهنگ پایه):

ماه در پیچ و خم طوفان‌ها انفجاری که به بمباران‌ها

(همان: ۶۳۵)

۳-۷-۲- پاپیلون (Papillon): پروانه، دستمال‌گردن (فرهنگ پایه). در فرهنگ و زبان فارسی به صورت پاپیون تلفظ می‌شود:

یک نفر با کت و شلوار نو و پاپیون است دیگری را به سر و وضع جلمبر بینی

(حالت، ۱۳۷۰: ۳۸۵)

۳-۷-۳- سمفونی (Symphonie) که در شعر شهریار با تلفظ سنفونی آمده است:

لام‌ها روشن شد و بر سطح آب سنفونی‌ها زاد و شعر سمبلی

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۹۹۸)

۳-۷-۴- شوفر (Chauffeu): راننده اتومبیل (فرهنگ پایه) که در اصل به صورت شوُفر باید تلفظ شود:

کاسب فُکلی شوُفر و حَمّال و لبویی شیخ و عرب و ارمنی و فعله و مزدور

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۶۷)

۳-۸- واژه‌ها و اصطلاحاتی که در دوره پهلوی اول در شعر شهریار به همان صورت فرانسوی مُصطلح بوده، بعدها متروک شده و صورت فارسی واژه، مورد استفاده قرار گرفته است:

۳-۸-۱- توالت (Toilette): آرایش، خودآرایی، بزک (فرهنگ پایه) که در تداول عامّه به روشویی و دست‌شویی تغییر معنی داده است:

توالت تو مرا سخت رنجه می‌دارد بگو ترا به خدا با که رانده‌وو داری؟

(همان: ۱۸۱)

۳-۸-۲- راندوو (Redezvous) به معنای قرار ملاقات برای آشنایی است در بیت بالا.  
۳-۸-۳- شیفر (Chiffer): بها، نشانه، راز (فرهنگ پایه) که یک اصطلاح تخصصی در بانکداری بوده است و امروزه کاربردی ندارد:

شاعر چون منی مُحاسب نیست شیفر با روح من مناسب نیست

(همان: ۴۸۹)

۳-۹-۹- اصطلاحات و واژه‌هایی که هم در زبان فرانسه و هم در زبان فارسی به یک معنی می‌باشند:  
۳-۹-۱- تور (Tur): تله، جال، دام (فرهنگ پایه):

چون یکی ماه آزاد که افتاده به تور بر و پایی تر و پیراهن توری دارد

(همان: ۲۱۱)

۳-۹-۲- نفت (Nafphte): نفت (فرهنگ پایه):

خیک نفت ما خالی می‌کنند و مشتبی خل مشتبه که با دو دم گنده می‌کند ما را

(همان: ۱۶۹)

۳-۱۰-۱- واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی که شهریار آن‌ها را به‌ضرورت وزن شعری ترخیم و کوتاه کرده است:

۳-۱۰-۱- اُرکس (Orcester): اُرکستر، مجموعه‌ای از نوازندگان و سازهایی که با هم به اجرای قطعات موسیقی می‌پردازند. (فرهنگ فارسی معین):

کرده رها اُرکس عصر نوین ساخته با ناله مشرق زمین

(همان: ۴۶۴)

۳-۱۰-۲- شُکلا (Chocolat): شُکلات (فرهنگ پایه):

کدخدا شو که نهار چلوبی هم داری بعد شیرینی و ظرف شکلا می‌آید

(شهریار، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۱۹۲)

۳-۱۰-۳- لام (Lampe): چراغ و لامپ (فرهنگ پایه):

لام‌ها روشن شد و بر سطح آب سنفونی‌ها زاد و شعر سمبلی

(همان: ۹۹۸)

نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد بسیاری از واژه‌های فرانسوی از آغاز ورود به فرهنگ و زبان فارسی به همان صورت در شعر شهریار آمده که امروزه نیز در تداول عامه مورد استفاده است؛ واژه‌هایی مانند «گرامافون»، «آبازور»، «آلبوم» و... برخی واژه‌ها و اصطلاحات همانند «ژوپن»، یا «شیفر» کنار گذاشته شده یا همانند «گتر» و «گرامافون»، رنگ باخته است. برخی واژه‌ها با واژه‌های خوش‌تراش و سره فارسی جایگزین شده است همانند هواپیما که جایگزین واژه «آئروپلن» شده است. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات با وجود داشتن مترادف فارسی به خاطر مقبولیت عام بر واژه‌های فارسی غلبه یافته‌اند؛ همانند «پارک»، «دکتر» و... برخی واژه‌ها و اصطلاحات با وجود داشتن معادل فارسی چون به موضوع و رشته خاصی، اختصاص یافته‌اند؛ جای خود را در فرهنگ و زبان فارسی تثبیت کرده‌اند، همانند واژه «آرشه»، «ژل» و... برخی واژه‌ها در آغاز ورود به زبان و فرهنگ فارسی در حوزه محدودی کاربرد داشته، همانند واژه «تیپ» که ابتدا در رسته نظامی و ارتش کاربرد داشته و سپس توسعه معنایی یافته است. برخی واژه‌ها و اصطلاحات نیز که به خاطر تقالت در تلفظ، تخفیف و تغییر یافته است همانند «بمباردمان» و «پایپلون» که به صورت «بمباران» و «پایپون»، تغییر یافته است. برخی واژه‌ها چه در زبان فرانسوی و چه فارسی به یک معنی است و به همان صورت تلفظ می‌شود، همانند «نفت» و «تور». بعضی از واژه‌ها و اصطلاحات در شعر شهریار به ضرورت وزن شعر ترخیم و کوتاه شده است، همانند «لام: لامپ»، «شکلا: شکلات» و «آرکس: آرکستر» و در زبان فارسی مورد استعمال قرار گرفته است. بدون تردید شعر شهریار به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر فارسی در تثبیت و تغییر واژه‌ها و اصطلاحات فرانسوی در فرهنگ و زبان فارسی امروز، قابل توجه و با اهمیت است.

## منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴)، تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران: مؤسسه تحقیقات علوم انسانی.
- اجتماعی جندقی، کمال (۱۳۸۴)، سرود آبخار، تهران: سخن با همکاری موسسه انتشارات نگاه.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۴)، سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی و فرهنگی.
- اوستا، مهرداد (۱۳۶۲)، «شهریار و شیوه سخن او»، کیهان فرهنگی، سال اول، ش ۲، صص ۱۴-۱۱.
- بهادری، محمد جلیل (۱۳۸۶)، شهریار شعر (بررسی آفاق شعر شهریار)، ایلام: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- جلالی، تهمورث (۱۳۵۴)، فرهنگ پایه (واژه‌های پارسی و بیگانه زبان‌زد در فارسی کنونی)، تهران: ابن سینا.
- شهریار، محمد حسین (۱۳۶۶)، کلیات دیوان شهریار، ۲ ج، تهران: زرتین-نگاه.
- صادقی نژاد، رامین (۱۳۹۳)، «بازتاب هنری واژه‌ها و اصطلاحات اداری (بانک و ثبت اسناد) در شعر شهریار»، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه پیام نور بجنورد.
- قائم مقامی (زاله)، عالم تاج (۱۳۷۴)، دیوان عالم تاج، به کوشش احمد کرمی، تهران: ما.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۷)، چشمه روشن، تهران: علمی